

انسجام اجتماعی در جامعه ایران

سیدجواد حسینی

پس از تشریح شاخص‌های انطباق‌پذیری، شکوفایی و پذیرش اجتماعی به عنوان مولفه‌های سلامت اجتماعی، در این نوبت به توضیح شاخص دیگر سلامت اجتماعی یعنی انسجام اجتماعی در جامعه ایران خواهیم پرداخت.

انسجام اجتماعی را به وحدت و پیوستگی جامعه تعریف می‌کنند. جامعه منسجم، به اجتماعی اطلاق می‌شود که اجزا و عناصر خرده نظام‌های متعدد قومی، دینی و سیاسی در عین حال که پذیرفته شده و به رسمیت شناخته می‌شوند، در پرتو آرمان‌ها و منافع بزرگ ملی به همدیگر پیوند می‌یابند، اختلافات بین گروه‌ها موجب ازهم‌پاشیدگی جامعه نمی‌شود و جامعه در هر صورت یکپارچگی، اتحاد و تعاملات مناسب خود را برای ایجاد تعادل و در نتیجه تکامل جامعه برقرار می‌نماید. براساس مدل تالکوت پارسونز؛ جامعه‌شناس صاحب‌نظر مکتب ساختی-کارکردی، گرچه جامعه از خرده‌نظام‌های متعددی تشکیل شده است و هر یک از آنها کارکردهای مخصوص به خود برای ایجاد نظم در جامعه دارند، در عین حال گاهی جامعه به دلیل نیازهای جدید دچار تحولات می‌شود، اما مهم آن است که ساختار اجتماعی قادر باشد تا تحولات به وقوع پیوسته را با انسجام اجتماعی به سمت تعادل مجدد و ساخت‌یافتگی منظم هدایت کند، انسجام اجتماعی بر چنین مفهومی دلالت دارد. بنابراین اگر در جامعه اتحاد و اتفافی حاکم شود که به‌رغم اختلافات، ساختار جامعه در مسیر حرکت رو به تکامل با چالش مواجه نگردد و ابعاد ساختارهای جامعه با همدیگر تعامل مبتنی بر تعادل داشته باشند، آن جامعه از انسجام اجتماعی برخوردار است. نقطه مقابل انسجام اجتماعی، تضادها و واگرایی‌های اجتماعی-سیاسی است. جامعه ایران از فرهنگ تاریخی و غنی برخوردار است، در عین حال سه بخش مهم تاثیرگذار در فرهنگ کنونی ایران عبارتند از: فرهنگ غربی، فرهنگ تاریخی-ملی و فرهنگ دینی و اعتقادی. گرچه در بسیاری از موارد بین این بخش‌ها همگرایی وجود دارد و همپوشانی با همدیگر دارند، اما در موارد بسیاری هم بین آنها تضاد وجود دارد. فرهنگ ایران در مثال، دریایی است که از رودخانه‌های متعددی تغذیه می‌شود. در واقع فرهنگ ایرانی مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای شرعی، عرفی، علمی، قانونی و... است که هر کدام با توجه به

نوع درونی کردن آنها و منابعی که نقش درونی کردن آن را برعهده دارند و کاربرد و کارکردی که در طول تاریخ داشتند، در غنیسازی و درونی کردن این فرهنگ نقش اساسی ایفا کردند و می‌کنند. در واقع فرهنگ ایران، آمیخته از آموزه‌های شرعی، عرفی، علمی و قوانینی است که متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی جامعه توسط دستگاه قانونگذار وضع شده‌اند و در برخی موارد که کم هم نیست، متضاد و مغایرند. گاه اتفاق می‌افتد که در برابر يك حکم شرعی، ۳۰ تا ۳۵ حکم عرفی در قالب ضرب‌المثل، کلمات بزرگان، شعر و غیره وجود دارد که در ارتباطات میان‌فردی و روزمره مردم کاربرد و کارکرد دارد. از جمله در ارتباط با ترویج ظلم، حدود ۲۸ ضرب‌المثل است؛ مانند «هر کسی ظالم است، سالم است»، در مقابل امر به معروف و نهي از منکر، ۲۷ ضرب‌المثل از جمله «عیسی به دین خود، موسی به دین خود»، در مخالفت با کار و تلاش ۲۶ ضرب‌المثل از جمله «تا بار ببری بار هست و تا کار بکنی کار هست»، در ارتباط با عدم مشارکت و همگرایی هفت ضرب‌المثل از جمله «اگر شريك خوب بود، خدا برای خود شريك می‌گرفت»، در ارتباط با ترویج پول‌محوری که در نقطه مقابل خدامحوری، ۳۵ ضرب‌المثل از جمله «پول داشته باش، بر سبیل شاه نقره بزن» شناسایی شده‌اند که با توجه به اقشار مختلف جامعه و در ارتباط با شیوه‌های معیشت و تجربیات روزمره مردم به شمار می‌آیند. این مسائل بر دامنه تضادها می‌افزاید، تضادهای فرهنگی بین قومی، تضادهای بین شهر و روستا، تضاد بین گفتار و عمل و خصوصاً تضادهای سنت- مدرنیته و به ویژه تضادهای نسلی و نیز تضادهای سیاسی عمیق بین جریان‌های سیاسی از جمله مهم‌ترین عوامل شقاق‌های فرهنگی در جامعه ایران محسوب می‌شوند که انسجام اجتماعی را به عنوان يك شاخص مهم سلامت اجتماعی با چالش مواجه می‌سازند.

نتایج پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد ارزیابی مردم ایران از وجود وحدت و همدلی در جامعه و خصوصاً برداشت ایشان از آینده انسجام اجتماعی به گونه‌ای است که ۴۰ درصد مردم ایران اوضاع وحدت و همدلی را در آینده بدتر، ۴۴ درصد حالت جامعه در آینده را تثبیت وضع موجود قلمداد می‌کنند. اگر این دو رقم را با همدیگر جمع کنیم، ۸۴ درصد مردم ایران پنداشت‌شان از آینده، وحدت و همدلی یا انسجام اجتماعی نامطلوب ارزیابی می‌شود و تنها ۱۶ درصد از مردم، آینده جامعه را از این حیث قابل قبول فرض می‌کنند. پژوهش انجام شده روی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص شاخص انسجام اجتماعی نشان داد این شاخص در بین ۵ شاخص سلامت اجتماعی یعنی انطباق‌پذیری، پذیرش، شکوفایی و مشارکت اجتماعی بدترین وضعیت را دارد، به گونه‌ای که نمره به دست آمده از شاخص انسجام اجتماعی

این وضعیت به طرز نامطلوب‌تری برای کودکان وجود دارد. نتیجه پژوهش مرادی و همکاران در سال ۱۳۹۳ روی کودکان نیازمند به خدمات حمایتی در تهران که به موسسات حمایتی مربوطه مراجعه داشته‌اند، در خصوص شاخص انسجام اجتماعی نشان می‌دهد نمره ۱۶ از ۸۵ را کسب کرده‌اند که وضعیت وخیم انسجام اجتماعی برای این دسته از کودکان در جامعه ایران را در پنداشت آنها به تصویر می‌کشد. برای بهبود وضعیت شاخص انسجام اجتماعی باید به گونه‌ای عمل شود که کودکان و البته افراد جامعه احساس تعلق به جامعه داشته باشند و خود را وابسته به جامعه بدانند و احساس کنند بخش مهمی از اجتماع هستند و این تصور در آنها شکل گیرد که جامعه و افرادش برای آنها ارزش قائلند و احساس خودارزشمندی اجتماعی در ایشان رشد یابد. در مجموع باید به‌طور جدی به انسجام اجتماعی در جامعه ایران اندیشید، چون انسجام اجتماعی دارای کارکردهای زیادی است. انسجام اجتماعی موجب ثبات سیاسی جامعه می‌شود، انسجام اجتماعی موجب می‌شود رفتارهای مردم در جامعه قابل پیش‌بینی باشد، تعاون و همکاری اجتماعی افزایش یابد، اعتماد اجتماعی متقابل شکل بگیرد و مشارکت اجتماعی ظهور یابد. اینها عامل اساسی نظم و سرمایه اجتماعی در جامعه و پیش‌شرط اصلاح و توسعه اجتماعی‌اند. با وجود انسجام اجتماعی، فرهنگ جامعه قدرت می‌گیرد و امکان پذیرش خود را افزایش می‌دهد و در مقابل فرهنگ‌های مهاجم، قدرت مقاومت پیدا می‌نماید. انسجام اجتماعی موجب کاهش فاصله اخلاق نظری و اخلاق عملی در جامعه می‌شود، زیرا باعث می‌شود عام‌گرایی جای خاص‌گرایی را بگیرد. در نتیجه در جامعه احتمال انحراف از قواعد اجتماعی، بروز فساد اخلاقی سیاسی و اداری، ریاکاری، پارتی‌بازی و قوم و خویش‌گرایی کاهش می‌یابد. به عبارتی به تبعیت از مدل پارسونز می‌توان گفت انسجام اجتماعی مدل‌های الگویی روابط اجتماعی را از حالت عام‌گرایی به حالت خاص‌گرایی از حالت جهت‌گیری مبتنی بر نقش‌های انتصابی به جهت‌گیری مبتنی بر نقش‌های اکتسابی و از حالت جهت‌گیری‌های روابط اجتماعی مبتنی بر تداخل کارکردی نقش‌ها به سمت جهت‌گیری‌های مبتنی بر تفکیک کارکردی نقش‌ها سوق می‌دهد. بنا به گفته هوزلیتز، جوامع در چنین شرایطی توسعه اجتماعی پیدا می‌کنند، یعنی در وضعیتی که جهت‌گیری مدل‌های رفتارهای اجتماعی جامعه‌گرایانه، اکتسابی و مبتنی بر تفکیک کارکردی نقش‌ها باشد، توسعه اجتماعی محقق می‌شود. همچنین انسجام اجتماعی موجب افزایش عواطف جمعی می‌شود و عواطف جمعی موجب افزایش نشاط اجتماعی و کاهش اختلالات روحی و روانی و آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌شود.

□□□□□□ 1403 □□□ 17 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□